

نامه‌ی نصرالله انتظام

به وزیر امور خارجه

مجید مهران
دیپلمات بازنشسته

۱- درآمد

به دلاوری حسابداری وزرات خارجه نوشتم و تذکر دادم اگر واقعاً مقرری همین باشد، ماندن در پاریس برای من میسر نیست. وزیر امور خارجه‌ی وقت و اولیای وزارتخانه مرا مطمئن ساختند که چون در بین سفراء کبار دو سفیر کبیر مجرد بیش نیست (که یکی از آن دو نفر خود جنابعالی بودید) راهی در بودجه پیش‌بینی شده و همین که از تصویب مجلس بگذرد، موضوع تأمین خواهد شد. بودجه‌ی سال ۱۳۳۷ از تصویب گذشت و خبر از اضافه نشد. به‌طور خصوصی مراجعه کردم و تصمیم به کناره‌گیری خود را تکرار کردم. جواب آمد متأسفانه آن پیشنهاد، به تصویب نرسید، ولی در بودجه‌ی سال جاری حقوق سفراء کبار بر پایه‌ی خاصی قرار گرفته که منظور را تأمین می‌نماید.

دو ماه قبل که به تهران رفتم و آن وعده را خاطر نشان نمودم، باز به عذر این که وزارت دارایی موافقت نکرده جواب یأس شنیدم. چون در آن زمان به امر مطاع همایونی، لازم بود فوراً به پاریس برگردم و جناب عالی هم تشریف نداشتید، مذاکره راجع به اضافه حقوق را کسرشان خود دانستم ولی مصمم بودم همین که کارهایی که داشتیم انجام شود، تقاضا کنم مرا معاف فرمایید.

برای این که تصور نفرمایید این نامه را بی‌مطالعه و یا به صورت اعتراض عرض می‌کنم، لازم است توضیحی بدهم:

اول - در هیچ‌یک از ادوار حتا در زمانی که بودجه‌ی وزارت امور خارجه بسیار ناچیز و هنوز اضافات چند میلیونی که شش سال قبل به تصویب رسید نگذشته بود، باز سفراء کبار مجرد، سی درصد بیش از مقرری امروز دریافت می‌داشتند و هنوز هم بر ما معلوم نیست که اساس حقوق را بر چه پایه‌ای قرار دادند که به‌جای افزایش، مقرری امثال بنده، کسر شد.

دوم - در ادوار عسرت و تنگ دستی یعنی زمانی که کارمندان با آن ذلتی که جناب عالی و بنده ناظر آن بودیم، زندگی می‌کردند، بر رؤسای مأموریت فرض بود که به متابعت از دیگران تحمل و بردباری نشان دهند ولی امروز که بحمدالله نعمت فراوان و در همین شهر پاریس کسانی هستند که به عناوین مختلف نامعلوم چندبرابر مقرری سفرای کبار می‌گیرند دیگر دلیل ندارد بنده به تنهایی مظهر قناعت و فداکاری باشم.

در میان اسنادی که در «مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران» نگاهداری می‌شود، به نامه‌ای دسترسی پیدا کردم که مرحوم نصرالله انتظام، سفیر ایران در پاریس، در سال ۱۳۳۸ به وزیر امور خارجه نوشته است. ظاهراً دوره‌ای است که عباس‌آرام وزیر امور خارجه بوده است و برای انتظام، نگارش این نامه، که ضمن آن تقاضای رسیدگی به کمی حقوق خود را کرده بوده، خصوصاً این که وزیر خارجه سال‌ها کارمند او بوده، خیلی دشوار بوده است و کسر شأن خود می‌دانست.

با توجه به گرانی هزینه‌ی زندگی در پاریس مسلماً مبلغ دویست و چند لیره حقوق یک سفیر با وجود آمد و شدهای فراوانی که داشته است، حتا در آن زمان که در فرانسه تورم این قدر شدید نبوده، خیلی دور از واقعیت به نظر می‌رسد.

گویا دست‌هایی به تحریک مقامات بالا تلاش می‌کرده‌اند که نصرالله انتظام را که زمانی رئیس مجمع عمومی سازمان ملل بوده و شخصیت جهانی داشته است، در فشار مالی قرار دهند و او را چنان در عسرت نگاه دارند، تا ناچار کناره‌گیری کند.

چون این نامه گوشه‌یی از بی‌عدالتی در آن دوران است و بی‌توجهی دولت را به رجال کشور می‌رساند، از لحاظ ثبت در تاریخ فتوکپی این سند تاریخی را به جناب پروفیسور امین تقدیم می‌کنم، تا در صورت تأیید امر به انتشار آن در **ماهنامه‌ی حافظ** دهند که موجب سپاس فراوان خواهد بود.

۲- متن نامه

جناب آقای وزیر امور خارجه

درست دو سال است که به پاریس آمده‌ام. قبل از عزیمت به مأموریت - چون مانند دیگران عادت به این که وقت را صرف مذاکره در بودجه و تقاضای اعتبارات اضافی کنم، نداشتم - مدت توقف در تهران را به مطالعه‌ی اموری که در فرانسه داشتیم، گذراندم. پس از ورود به پاریس که بودجه‌ی سفارت کبری رسید، متوجه شدم مقرری بنده ماهی دویست و چند لیره است. برخلاف گذشته به‌عنوان ریاست مأموریت، از سی درصدی که به مأمورین مجرد هم تعلق می‌گیرد، محروم مانده‌ام. به تصور این که شاید اشتباهی دست داده باشد شرحی

